

بیانیه کمیته مرکزی سازمان درباره دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی

رویگردانی از حوزه‌های رای

به سود آزادی، به سود حاکمیت مردم و به زیان استبداد است!

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، با کاندیداتوری چهار چهره شناخته شده رژیم که از صافی شورای نگهبان گذشته‌اند، به روال معمول سی سال گذشته، برگزار خواهد شد. در جمهوری اسلامی انتخابات غیردمکراتیک است، بویژه انتخابات ریاست جمهوری. چرا که براساس قانون اساسی، اولاً تنها مردها و سپس در میان آنها معتقدین به مذهب شیعه دوازده امامی و نیز مطیع ولی فقیه حق دارند کاندیدا شوند و همچنین باید به تأیید شورای نگهبان نیز برسند. مردم نیز انتخاب آزادانه‌ای ندارند و تنها می‌توانند از بین منتخبین حکومت، به یک نفر رای دهند.

در عین حال، این انتخابات، پس از یک دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، در شرائطی برگزار می‌شود که بحران اقتصادی عملاً عرصه را بر زندگی بسیاری از مردم تنگ کرده و بی‌پروانی دولت به چگونگی معیشت اکثریت جامعه و حیف و میل ثروت‌های ملی به پای تسلیحات نظامی، پروژه ماجراجویانه اتمی، انجام برنامه‌های نمایشی چون پرتاب موشک و بریز و بیاش در پروژه‌های به‌اصطلاح عمرانی و غیره، زندگی روزمره را با دشواری فراوان روبرو کرده و بخش بیشتری از مردم را به زیر خط فقر کشانده است و نارضیاتی به‌شکل وسیعی در میان اقشار جامعه گسترده شده است.

جنبش‌های اعتراضی در میان اقشار مختلف جامعه رشد یافته و ندانم این جنبش‌ها علیرغم سرکوب مداوم آنها توسط رژیم، یکی از ویژگی‌های بارز این دوره است و صدای اعتراض از هر گوشه به گوش می‌رسد. این اعتراضات بیش از پیش سازمان یافته و با طرح مطالبات مشخص و خطاب قرار دادن دولتمردان حکومت اسلامی همراه است. جنبش‌های زنان، کارگران، ملیت‌های تحت ستم، معلمان، دانشجویان و دیگر اقشار جامعه، با طرح خواسته‌های خود و تأکید بر پیوند با یکدیگر، سطح رشدیافته‌ای از مبارزه اجتماعی را نشان می‌دهند.

همزمان در عرصه سیاست خارجی نیز تحولاتی رخ داده و سیاست خارجی امریکا به دنبال پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، تغییر محسوسی کرده است. چنین به نظر می‌رسد که سیاست دولت فعلی امریکا، بر کاهش تنشج در بیرون از مرزهای این کشور، جهت سروسامان دادن به آشفتگی و خسارات ناشی از یکی از بزرگترین بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری در یکصد سال گذشته قرار گرفته است. در این شرایط، دولت امریکا ترجیح می‌دهد تا با دولت ایران

وارد مذاکره شده و با حصول توافقاتی پیرامون مسائل مورد مناقشه و بویژه حول پرونده اتمی، ولو موقت، برای کاهش تنشج در منطقه خاورمیانه، زمان کافی برای حل مسئله عراق و افغانستان و تجدید آرایش نیروهای خود در این منطقه را به‌دست آورد.

جناح حاکم به شدت از تغییر اوضاع، نارضیاتی مردم و تحولات اجتماعی، که خطر خارج کردن سکان هدایت جامعه از دستانش را در پی داشته باشد، در هراس است و تمام تلاش خود را برای کنترل انتخابات و جلوگیری از ورود عناصری نامطلوب از نظر حکومت، به‌کار می‌گیرد. از این رو است که چهره امتحان پس‌داده‌ای چون خاتمی، کوتاه‌زمانی پس از اعلام کاندیداتوری، زیر فشار و تهدید جناح خامنه‌ای، انصراف داده و کاندیداتوری خود را پس می‌گیرد.

در چنین شرائطی که انتخابات بیش از هر زمان دیگری کنترل شده پیش می‌رود، تنور انتخابات در جامعه، انگونه که مطلوب گرداندگان است گرم نشده و فضای سردی بر آن حاکم است. کاندیداهای رسمی، همگی چهره‌های شناخته شده قدیمی هستند و این اولین باری است که کفگیر جمهوری اسلامی برای یافتن کاندیدا و یک چهره جدید با قول و قرارهای انتخاباتی تازه، به کف دیگ خورده است و مهره‌های قدیمی از قبیل حسین موسوی و مهدی کروبی بار دیگر وارد گود شده‌اند. واقعیت این است که در طول سی سال گذشته مردم تمام چهره‌های جمهوری اسلامی را امتحان کرده‌اند، از خط امامی دواتشه و طرفدار «عدل اسلامی» گرفته تا لیبرالیسم اسلامی «سردار سازندگی»، از خاتمی اصلاح طلب تا بازگشت به اصل «عدالت اسلامی» احمدی نژاد و هر دوره نسبت به دوره قبل اوضاع خرابتر شده و نابسامانی فزونی یافته است. مردم در این سی سال همه سیاستمداران جمهوری اسلامی و انواع سیاست‌ها را آزموده‌اند و در نهایت نیز به تجربه دریافته‌اند که سکان حکومت در کشور ما، عمدتاً نه در اختیار رئیس جمهور و مجلس و دیگر ارگان‌های انتخابی، که تحت نظارت و کنترل عناصر و ارگان‌های غیرانتخابی است. بطور واقعی و مطابق قانون اساسی، قدرت اصلی در جمهوری اسلامی در خارج از حوزه ارگان‌های انتخابی و دور از دسترس صندوق‌های رای قرار دارد. این خود یکی از زوایای مهم در نگاه به انتخابات در جمهوری اسلامی و جایگاه رئیس جمهور در آن است.

جمهوری اسلامی به رای مردم باور ندارد و تنها می‌کوشد تا با رای مردم به رژیم خود مشروعیت بخشد. برای حکومت اسلامی

شرکت مردم و بخصوص میزان شرکت مردم مهم است و نه نتیجه انتخابات. چرا که نتیجه را خود از پیش و به صورت کنترل شده، هدایت می‌کند. کاندیداهایی که پس از عبور از صافی شورای نگهبان به صف اول مسابقه انتخابات می‌رسند، از «خودی»ها هستند و در نهایت هم نقش آنها غالباً در حد «تدارکاتی» و مجری "حکم حکومتی" باقی خواهد ماند.

حضور در پای صندوق‌های رای جمهوری اسلامی که کوچکترین روزنه‌ای برای امکان تأثیرگذاری باقی نگذاشته است، تنها به سود جناح حاکم است.

قواعد بازی انتخابات در جمهوری اسلامی توسط خود جمهوری اسلامی تعیین شده و منطبق بر هیچ قاعده دمکراتیکی نیست. تلاش برای تغییر قواعد بازی و دمکراتیزه کردن آن، از مسیر شرکت در آن نمی‌گذرد. این کار تنها به معنی تأیید خود بازی است. راه پایان دادن به استبداد و بی‌حقوقی مردم از مسیر پذیرش بی‌حقوقی نمی‌گذرد. پایان عمر یک حکومت مستبد زمانی به پی‌ریزی ساختمان اعاده حقوق خود مبارزه کنند. از این رو مبارزه برای حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و کسب آزادی‌ها و از جمله آزادی انتخابات، از مجرای مبارزه با نقض این حقوق توسط جمهوری اسلامی می‌گذرد. طی سی سال گذشته، بخش‌های مختلف جامعه ما، از زنان تا کارگران و کارمندان و زحمتکشان، از جوانان و دانشجویان تا جنبش‌های ملی در کردستان و سایر نقاط، از روشنفکران و روزنامه‌نگاران تا نویسندگان و هنرمندان، از طرق گوناگون و با تحمل رنج‌ها و مصائب فراوان و پرداخت هزینه‌های بسیار، در راه مقاومت و مبارزه برای حقوق ابتدائی و عادلانه‌شان از پای ننشسته‌اند.

تردید نباید داشت که مبارزه مستقل مردم و رشد و پای‌گیری این جنبش‌های مردمی با تکیه بر خواسته‌های حق طلبانه‌شان، مهمترین عرصه مبارزه با رژیم است. عدم شرکت در بازی‌های سیاسی که تنها رژیم از آن بهره می‌برد و بایکوت انتخابات فرمایشی، راهی است که پایه‌های رژیم اسلامی را سست کرده و اجازه خواهد داد تا سرانجام، آلت‌رناتیوی در برابر حکومت قد برافرازد.

برای اینکه به تحریم انتخابات پاسخ مناسب داده شود، می‌بایست سیاست "نه" به دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری و مبارزه برای برگزاری یک انتخابات آزاد را به میان مردم برد. انتخابات آزاد یکی از خواست‌های دمکراتیک مردم و یکی از الزامات برقراری دمکراسی است، اما رژیم حاکم، بنا به ماهیت و عملکرد آن، نمی‌تواند به برگزاری انتخاباتی آزاد و نتایج آن گردن گذارد. در دوره‌های قبل، برخی از شرکت‌کنندگان در انتخابات، با این استدلال که بالاخره بد بهتر از بدتر است، به پای صندوق رای می‌رفتند. این بار همان‌ها با شعار سد کردن راه احمدی نژاد، < صفحه ۳